

رفتار پژوهی «زندگی شهری» در شهرهای معاصر به منظور دستیابی به شهر پیاده‌مدار (نمونه‌موردی: طرح مطالعاتی خیابان شهریار، منطقه ۱۱، تهران)

عرفان خصم افکن نظام^{۱*}، فرشته نویدی مجد^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

erfannezam@yahoo.com

۲- دکتری شهرسازی (عضو هیئت علمی)، استادیار گروه آموزشی معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

چکیده

«عرصه عمومی» یعنی مقیاس و کیفیتی از شهر که توسط مردم ادراک می‌شود نه آنچه که روی نقشه‌ها است، پس لازم است از آن به «معماری فضای شهری» تعبیر کرد؛ در واقع این معماری فضای شهری است که تقاضای زندگی شهری را پاسخ می‌دهد. جریان زندگی شهری توسط مردم اتفاق می‌افتد، وقتی که جریان زندگی شهری محقق می‌شود می‌توان گفت که صاحبخانه، اهل شهر هستند. زندگی شهری از جنس «کیفیت» است؛ سکونت در شهر از جنس کمی، ولی حیات مدنی امری کیفی است و باید با معیارهای کیفی، آن را ارزیابی کرد. پیاده‌مدار بودن می‌تواند از یک سو بازتاب دریافت کیفیت مکان برای شهروندان باشد؛ از سوی دیگر رفتار مردم پیاده، معیاری است که می‌توان به کمک آن کیفیت مکان را در بافت سنجید. در اختیار داشتن معیارهایی که بتوان با آن پیاده‌پذیری مکان‌ها را اندازه‌گیری و ویژگی‌های کیفی مکان را روشن کرد، می‌تواند بن‌مایه‌هایی برای ساماندهی، برنامه‌ریزی و گزینش قواعد شهرسازی شمرده شود. پیشگامان طراحی محیطی در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، قدم‌های اولیه برای فهم بهتر ایده‌ی زندگی‌همگانی و تعامل آن با فضای شهری و ساختمان‌ها را برداشتند. روش آنها مطالعه‌ی شهرها و فضاهای همگانی موجود، برای به دست آوردن دانش پایه در مورد نحوه‌ی استفاده و حرکت شهروندان در شهرها بود. ایده اصلی این نوع مطالعه، برای مشاهده‌گرایی رخ می‌دهد که پیاده راه می‌روند و همزمان به اطراف خوب نگاه می‌کنند. مشاهده، کلید این نوع مطالعه است و ابزارهای آن ساده و ارزان هستند. مشاهدات ماهرانه با استفاده از یک سامانه مناسب، اطلاعات جالبی را در مورد تعامل زندگی شهری و فضاهای عمومی شهر به دست می‌دهد. به عنوان یک قاعده کلی، از کاربران به طور مستقیم پرسش نمی‌شوند بلکه فقط مشاهده می‌شوند و فعالیت‌ها و رفتارهایشان در نقشه ثبت می‌شود. این کار برای درک نیازها و چگونگی استفاده آنها از فضای شهری صورت می‌گیرد. مشاهده مستقیم کمک می‌کند تا بفهمیم چرا برخی فضاها استفاده و برخی رها می‌شوند. ساختار اصلی مقاله بر پژوهش ترکیبی استوار است که در بخش نخست به توصیف و تحلیل چگونگی مطالعه زندگی شهری بر اساس ادبیات موجود در این زمینه پرداخته می‌شود و در بخش دوم نیز خیابان شهریار به دلیل قرارگیری در محور فرهنگی- هنری شهر تهران به عنوان یک نمونه مطالعاتی بر اساس معیارهای مطرح شده، مورد تحلیل میدانی قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: زندگی شهری، شهر پیاده‌مدار، روش‌های ثبت و تحلیل زندگی شهری (رفتار پژوهی).